

منشور پاسداری مبتنی بر فرهنگ علوی

دکتر عباسعلی سلمانی*

اسماعیل خان احمدی**

دکتر محمدجواد سبحانی فر***

حسن یزدانی****

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۹/۲۰

چکیده

نظر به ضربات سنگینی که در اثر وقایعی چون جنگ احد، سقیفه، حکمیت، صلح امام حسن (ع)، واقعه عاشورا و... بر اسلام وارد شد این نوشتار بر آن است با استعانت از کتاب شریف نهج البلاغه، منشور پاسداری را تدوین کند تا از تکرار آن وقایع جلوگیری به عمل آید. این نوشتار، که نتیجه یک طرح پژوهشی است از حیث هدف، تحقیقی کاربردی و از حیث سطح تحلیل برخوردار از ماهیتی توصیفی- استنباطی و از حیث رویکرد و طبقه‌بندی روش به روش اسنادی متکی است. داده از راه مطالعات کتابخانه‌ای، مراجعه به تارنماها و با استفاده از فیش، گردآوری شده است. در فرایند تحقیق در نظر است به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که: «منشور پاسداری از دید فرهنگ علوی چه اصولی دارد؟» در راستای عرضه چنین پاسخی با مطالعات اکتشافی و بهره‌گیری از نظر خبرگان، اصولی یازده‌گانه برای منشور تدوین شد. پژوهشگران بر این باورند با نهادینه شدن منشور با ظرفیت پنجگانه (مقابله با تهدیدات سخت، نیمه سخت، نرم، عمق بخشی داخلی و عمق بخشی خارجی) برای نظام سیاسی اسلام شکل خواهد گرفت؛ در راستای نهادینه شدن نتایج در مبحث نهایی پیشنهادهایی عرضه شده است.

کلیدواژه‌ها: اهداف متعالی در فرهنگ علوی، منشور پاسداری و دفاع همه جانبه، آموزه‌های

نهج البلاغه و رفتار علوی

* - استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

** - عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

*** - دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

**** - عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

۱. مقدمه

مکتب حیات بخش اسلام در راستای تحقق هدف متعالی «... يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (قرآن کریم، بقره: ۲۵۷) و رویارویی با اهداف ظلمانی کفر، شرک جبهه استکبار یعنی «... يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ...» (همان) نیازمند ساختار و سازمانی قدرتمند و بر خوردار از ظرفیت دفاع همه جانبه است. قرآن کریم با توجه به رسالت متصور در راهبرد دفاع همه جانبه، ساختار و سازمان این نهاد قدرتمند را چنین ترسیم می کند: «... وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ -: و آماده کنید برای مشرکان هر چه توانید از نیرو و اسبان بر آخور بسته شده تا بترساید بدان آمادگی، دشمن خدا را و دشمن خود را (که کفار مکه اند) و نیز دشمنان دیگر را غیر از کفار مکه که نمی شناسید ایشان را (به نفاق) و خدا می شناسدشان» (همان، انفال: ۶۰). این راهبرد برخوردار از ظرفیتهایی چون آمادگی همه جانبه، بازدارندگی^۱ همه جانبه، تقویت بسیج ملی^۲ است. این راهبرد زمینه شکل گیری سازمانی با توان انعطاف زیاد، ضربت قاطع، مؤثر و بموقع را فراهم می سازد؛ سازمانی کارآمد که با حداقل امکانات در حداقل زمان و با حداقل تلفات موفق به تحقق اهداف گردد. قرآن کریم این سازمان را چنین ترسیم می کند: «... كَمْ مِّن فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ: چه بسا گروهی بس اندک که پیروز شده اند بر گروهی بسیار (از اهل کفر) به فرمان خدای و خدا با شکیبایان است» (قرآن، بقره: ۲۴۹). این سازمان در راستای تحقق اهداف متصور نیازمند مجاهدانی منحصر به فرد است. حضرت علی^(ع) در نگاهی کلی مصداق و ویژگیهای این مجاهدان را چنین تبیین می فرماید: «... اءَئِنَّ اِخْوَانِي الَّذِيْنَ رَكِبُوا الطَّرِيقَ، وَ مَضَوْا عَلَى الْحَقِّ اءَئِنَّ عَمَّارًا، وَ ائِنَّ اِبْنَ التَّيْهَانِ، وَ اءَئِنَّ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ، وَ اءَئِنَّ نَظْرًا وَّهُمْ مِنْ اِخْوَانِهِمْ الَّذِيْنَ تَعَاقَدُوا عَلَى الْمِيثَةِ، وَ اءَبْرَدَ بَرءُ وُسَيْهِمْ اِلَى الْفَجْرَةِ؟؛ کجایند برادران من که قدم در راه نهادند و همراه حق در گذشتند؟ عمار بن یاسر کجاست؟ ابن تیهان کجاست؟ ذوالشهادتین کجاست؟ کجایند همانندان ایشان، برادرانمان که با مرگ پیمان بستند و سرهایشان به سوی بزهکاران فرستاده شد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲: ۲۹).

1- Deterrence

2- National mobilization

۲. بیان مسئله

نظر به اینکه سپاه پاسداران از مهمترین سنگرهای دفاع از ارزشهای الهی و پاسداران بهترین عناصر اجراکننده این وظیفه خطیر هستند، ضرورت ایجاد می‌کند در راستای ارتقای کارایی و حفظ و آمادگی همه جانبه، منشور پاسداری این نهاد از آموزش‌های دینی مشخص، و در راستای نهادینه شدن آن، سازوکارهای لازم فراهم شود تا این نهاد مقدس در راستای تحقق اهداف و رویارویی با تهدیدات متصور قادر به اجرای وظایف گردد. پژوهشگران براین باورند که منشور پاسداری برگرفته از فرهنگ علوی برخوردار از جامعترین الگو و کاملترین اصول است؛ لذا موضوع این نوشتار «منشور پاسداری مبتنی بر فرهنگ علوی» است. به منظور مشخص کردن اصول منشور از نهج البلاغه و عرضه تعریف عملیاتی از منشور پاسداری، کلید واژه‌های اصلی، تعریف و توصیف می‌شود:

الف) پاسداری: پاسداری در لغت به معنای نگهبانی و حراست از چیزی یا کسی و نیز عمل و شغل پاسدار آمده است (رفیعی، ۱۳۹۰: ۱۵). در تعریف اصطلاحی، پاسدار به کسی اطلاق می‌شود که با هدف جهاد در راه خدا و دفاع از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و نظام جمهوری اسلامی به عضویت این نهاد مقدس در آمده است. منظور از پاسداری در این نوشتار همان رسالتی است که در قانون اساسی و قانون و مقررات استخدامی سپاه بر آن تأکید شده است. حضرت امام (ره) چنان شأن و منزلتی برای پاسداری متصورند که می‌فرمایند: «ای کاش من هم یک پاسدار بودم». فرماندهی معظم کل قوا (مدظله) با همان نگرش، جایگاه پاسداری را چنین تبیین می‌فرمایند: «... پاسداری یک فرهنگ است؛ فرهنگ عزت و افتخار است. پاسداری از دین و انقلاب که امروز این معنا در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مجسم است، صرفاً یک حرکت نظامی نیست؛ پاسداری یک فرهنگ است. جنبه عقیدتی سیاسی و فداکاری و مجاهدت دارد. البته جنبه نظامی هم دارد» (رفیعی، ۱۳۹۰: ۱۶).

ب) منشور: منشور در لغت به معنای بخشنامه و تألیف (انزوایی، ۱۳۷۲: ۱۶۷۵)، هم‌چنین «فرمان سرباز و بی‌مهر و نشان که از جانب پادشاه (ولی) صادر می‌شود و در ملاء عام برای مردمان خوانده می‌شود» (مصاحب، ۱۳۸۰: ۲۸۶۶) تعریف کرده‌اند. نظر به اینکه انقلاب اسلامی تداوم

حکومت پیامبران و در راستای تحقق اهداف متعالی جهان اسلام شکل گرفته است در فرایند تحقق اهداف خود، با تهدیدات حکومت پیامبران رو به رو است؛ بر این اساس نیازمند سازمانی با امکان انعطاف مناسب است.

ج) منشور پاسداری: نظر به تعاریف عرضه شده از منشور و پاسداری، منشور پاسداری عبارت است از: اصول و قواعد حاکم بر رفتار نیروهای نهاد مقدس سپاه که با ترکیب و تلفیق آنها با توجه به نوع تهدید (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ...) و صحنه نبرد (داخلی، منطقه ای و بین المللی) سازمان قادر به تحقق اهداف متعالی نظام اسلامی باشد.

۳. روش تحقیق

نظر به اینکه پژوهش از حیث سطح تحلیل، تحقیقی توصیفی - استنتاجی است از حیث طبقه بندی و روش به روش کتابخانه ای و اسنادی متکی است. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از فیش و مراجعه به تار نماهای اینترنتی از آموزه های دینی گردآوری شده است. لازم به ذکر است که در راستای تدوین اصول منشور و استخراج اسناد برای تأیید اصول یادشده از دید نهج البلاغه، سه عامل: الف) نقش سپاه در تحقق اهداف نظام ب) انتظارات متصور از سپاه ج) چشم انداز سپاه، لحاظ شود.

۳-۱. نوع تحقیق

پژوهشهای علمی بر اساس دو مبنا یعنی هدف و نیز ماهیت و روش تقسیم بندی می شود که بر اساس هدف، تحقیقات علمی را می توان به دو گروه بنیادی و کاربردی تقسیم کرد (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۸۵). پژوهش از لحاظ طرح تحقیق، آینده نگر است و از آنجا که هدف پژوهشگران عرضه پاسخ به مسئله پژوهش است، این تحقیق در زمره تحقیقات نتیجه گرا دسته بندی می شود. این پژوهش از لحاظ هدف نظر به اینکه با بهره گیری از کتاب شریف نهج البلاغه تدوین می شود و از یک سو رسالت، انتظارات و مأموریتها را تبیین می کند و از سوی نظر به اینکه نتایج پژوهش در حوزه دفاع همه جانبه قابل بهره برداری است در زمره تحقیقات تحقیق توسعه ای - کاربردی به شمار می رود.

۲-۳. سؤالات تحقیق

در راستای جمع آوری اطلاعات در مورد موضوع، سؤالات زیر طرح شد:

الف) سؤال اصلی: منشور پاسداری مبتنی بر فرهنگ علوی، چه اصولی دارد؟

ب) سؤالات فرعی: به منظور عرضه پاسخی منطقی و مستدل به سؤال اصلی، سؤالات

فرعی زیر طرح شد:

۱) فرهنگ علوی برای چشم‌انداز نظام سیاسی اسلام چه رسالت‌هایی را متصور است؟

۲) در راستای تحقق رسالت، نهج‌البلاغه برای نیروهای مسلح چه مأموریتی را متصور است؟

۳) حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری (مدظله) از سپاه چه انتظاراتی دارند؟

۴. چارچوب نظری تحقیق

نظر به نقش اساسی که رسالتها، مأموریتها و انتظارات در فرایند تدوین اصول منشور ایفا می‌کند در راستای تدوین اصول منطبق با منشور پاسداری سه سؤال فرعی تحقیق بر اساس سه عامل یادشده طرح گردید.

۴-۱. پیشینه تحقیق

طی مطالعات اکتشافی، موضوعی با عنوان منشور پاسداری مبتنی بر فرهنگ علوی به عنوان یک کار پژوهشی صورت نگرفته؛ لذا این اثر فعالیت پژوهشی بدیعی است؛ اما طی مطالعات اکتشافی چند اثر نزدیک با موضوع یافت شد که مهمترین آنها به این شرح است:

مقاله‌ای با عنوان «نقش عوامل معنوی در جنگهای عصر رسول خدا(ص)» به قلم دکتر قائدان هیئت علمی دانشگاه امام حسین(ع) که در فصلنامه شماره ۲۰ حصون پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه چاپ شده است. در این اثر مهمترین عوامل معنوی مؤثر در جنگ‌های عصر پیامبر(ص): آرمان و ایدئولوژی، روحیه، ایثار، اخلاص، شهادت طلبی، توکل، استقامت و پایداری و حمیت (انگیزه) معرفی، و از عوامل اساسی و تأثیرگذار در پیروزیهای نظامی آن دوران تعیین شده است.

مقاله «نقش روحیه در توان‌رزمی» به قلم آقای محسن مرادیان که در شماره ۲۷، فصلنامه

راهبردی دفاعی زمستان ۱۳۸۸ چاپ شده است با هدف شناخت جایگاه روحیه در توان‌رزمی نیروهای مسلح با طرح این پرسش‌ها که: «روحیه چیست و عناصر تعیین کننده آن کدام است؟» با استفاده از روش بررسی اسناد و مدارک علمی با رویکرد زمینه‌ای و محاسبه همبستگی عامل روحیه با قدرت نظامی، به این نتیجه رسیده است که روحیه مهمترین عامل در قدرت نظامی کشورها است.

سؤال یکم: فرهنگ علوی برای چشم‌انداز نظام سیاسی اسلام چه رسالت‌هایی را متصور است؟ با مطالعات اکتشافی در مبانی ارزشی، رسالت‌هایی به این شرح برای این چشم‌انداز قابل طرح است: **(الف) هدایت انسان به سمت نور:** در سوره بقره این رسالت چنین تبیین شده است: «... اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...» (قرآن، بقره: آیه ۲۵۷). **(ب) نجات انسان از گمراهی و ظلمت:** در بیشتر جنگ‌هایی که در تاریخ نظامی به ثبت رسیده است، رهبران در زمان طحریزی و هدایت جنگ به موضوعی جز شکست دشمن و پیروزی قاطع توجه نداشتند. تنها رهبران الهی به نجات انسان می‌اندیشند و حتی هنگام نبرد هم مصمم به نجات انسان از ظلمت هستند. در بخشی از خطبه ۵۴ در شروع جنگ صفین این رسالت چنین تبیین شده است: «... فَوَاللَّهِ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ يَوْمًا إِلَّا وَ أَنَا أَطْمَعُ أَنْ تَلْحَقَ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتَدِيَ بِي وَ تَعْشُرُوا إِلَيَّ ضَوْئِي وَ ذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقْتُلَهَا عَلَى ضَلَالِهَا وَ إِنْ كَانَتْ كَيْبُؤُا بَأْتَامِهَا: به خدا سوگند، هیچ‌گاه جنگ را حتی یک روز به تأخیر نینداختم مگر به آن امید که گروهی از مخالفان به من پیوندند و به وسیله من هدایت شوند و با چشمان کم سوی خود پرتوی از راه مرا بنگرند و به راه آیند؛ چنین حالی را بیشتر دوست دارم از کشتن ایشان در عین ضلالت، هر چند، خود گناه خود به گردن گیرند...» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵: خطبه ۵۴). **(ج) احیای نشانه‌های دین خداوند:** این رسالت فوق را حضرت در خطبه‌ای در شهر کوفه چنین تبیین می‌فرماید: «... اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الْبَدِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَ لَا الْبِمَاسَ شَيْءٌ مِنْ فُضُولِ الْخُطَامِ، وَ لَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ، قِيَاءَ مَنْ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ: بار خدایا، تو می‌دانی که آن کارها که از ما سر زد (جنگ)، نه برای هم چشمی بود و نه رقابت در قدرت و نه خواستیم از این دنیای ناچیز چیزی افزون به چنگ آوریم؛ بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین تو را که دگرگون شده بود باز گردانیم...» (همان، خطبه ۱۳۱: بخش ۳). **(د) اصلاح شهرها:** در بخشی دیگر از همان خطبه‌ی

حضرت علل پذیرش حکومت را تحقق رسالت یادشده بیان می‌کنند: «... وَ تَطْهَرِ الْأِصْلَاحَ فِي بِلَادِكِ: و بلاد تو را اصلاح کنیم ...» (همان، خطبه ۱۳۱: بخش ۳). **هـ) امان ستمدیدگان:** این رسالت در سمتی دیگر از همان خطبه چنین تبیین شده است: «... فَيَأْتِي مِنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكِ، وَ تُقَامُ الْمَعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكِ: تا بندگان ستم‌دیده‌ها در امان مانند و آن حدود که مقرر داشته‌ای، جاری گردد» (همان: بخش ۳). **و) دفع فساد از زمین:** حضرت در نامه به فرماندار بصره عثمان بن حنیف این رسالت را چنین بیان می‌کنند: «... جَهْدُ فِي آءِنِ آءِطْهَرَ الْأَرْضِ مِنْ هَذَا الشَّخْصِ الْمَعْكُوسِ، وَالْجِسْمِ الْمَرْكُوسِ، حَتَّى تَخْرُجَ الْمَدْرَةُ مِنْ بَيْنِ حَبِّ الْحَصِيدِ: و می‌کوشم تا زمین را از این شخص تبهکار کج اندیش پاکیزه سازم؛ چنانکه گندم را پاک کنند و دانه‌های کلوخ را از آن بیرون اندازند» (همان، نامه ۴۵: بخش ۱۹) **ز) مقابله با عصیان‌گری:** از دیگر رسالت‌های نظام سیاسی اسلامی رویارویی با عصیان و طغیان در برابر اوامر خداوند متعال است. حضرت در سال ۳۶ هجری در نامه به یکی از فرماندهان این رسالت را چنین تبیین می‌کنند: «... فَإِنْ عَادُوا إِلَى ظِلِّ الطَّاعَةِ فَذَاكَ الَّذِي نُحِبُّ، وَإِنْ تَوَافَتِ الْأُمُورُ بِالْقَوْمِ إِلَى الشَّقَاقِ وَالْعِصْيَانِ فَانْهَدُ بِمَنْ آءَطَاعَكَ إِلَى مَنْ عَصَاكَ: اگر در سایه فرمانبرداری باز آیند، این چیزی است که ما خواستار آنیم و اگر حوادث و پیشامدها، آنان را به جدایی و نافرمانی کشانید، باید به یاری کسانی که از تو فرمان می‌برند، به خلاف آنکه فرمانت نمی‌برند برخیز» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، نامه ۴: بخش ۱) این رسالت در خطبه قاصعه، که از طولانی‌ترین سخنرانی‌های حضرت است، چنین مورد توجه قرار گرفته است: «... الْاِ وَالْاِ وَ قَدْ آءَمَرَنِي اللَّهُ بِقِتَالِ آءَهْلِ الْبَغْيِ وَالنَّكْثِ وَالْفَسَادِ فِي آءِآَرْضِ فَاَمَّا النَّآكِثُونَ فَقَدْ قَاتَلْتُ، وَ آَمَّا الْقَآسِطُونَ فَقَدْ جَاهَدْتُ، وَ آَمَّا آَلْمَارِقَةُ فَقَدْ دَوَّخْتُ، وَ آَمَّا شَيْطَانُ الرَّذْهَةِ فَقَدْ كُفَيْتُهُ بِصَعْقَةٍ سَمِعَتْ لَهَا وَجْبَةُ قَلْبِهِ وَ رَجَّتْ صَدْرِهِ، وَ بَقِيَتْ بَقِيَّةٌ مِنْ آءَهْلِ الْبَغْيِ: آگاه باشید! خداوند مرا به جنگ با سرکشان، تجاوزکاران، پیمان‌شکنان و فسادکنندگان در زمین فرمان داد. با ناکثان پیمان‌شکن جنگیدم و با قاسطین تجاوزکار جهاد کردم و مارقین خارج شده از دین را خوار و زبون ساختم و رهبر خوراج بانگ صاعقه قلبش را به تپش آورد و سینه‌اش را لرزاند و کارش را ساخت. حال تنها اندکی از سرکشان و ستمگران باقی ماندند...» (همان، خطبه ۱۹۲: بخش ۱۱۱). **ح) استقرار حکومت حق در زمین:** در قسمتی از خطبه ۱۹۲ این رسالت چنین تبیین شده است: «... وَ كَيْنَ آذِنَ اللَّهُ فِي الْكُرَّةِ عَلَيْهِمْ لَأَءَدِيلَنَّ مِنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَشَدَّرُ فِي آطْرَافِ آَلْآَرْضِ تَشَدُّرًا: که اگر خداوند مرا باقی گذارد با حمله

دیگری نابودشان خواهیم کرد و حکومت حق را در سراسر کشور اسلامی پایدار خواهیم کرد جز مناطق پراکنده و دور دست...» (همان: ۱۱۳). (ط) **اجابت فرمان الهی:** حضرت این رسالت مهم را در سال ۳۷ هجری در هنگام شروع جنگ صفین چنین تبیین کرده‌اند: «... وَقَدْ قَلَّبْتُ هَذَا الْأَمْرَ بَطْنُهُ وَظَهْرُهُ حَتَّى مَنَعَنِي النَّوْمَ فَمَا وَجَدْتَنِي يَسْعُنِي إِلَّا قِتَالُهُمْ أَوْ الْجُحُودُ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ (ص) فَكَانَتْ مُعَالِجَةُ الْقِتَالِ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مُعَالِجَةِ الْعِقَابِ وَ مَوَاتَاتِ الدُّنْيَا أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مَوَاتَاتِ الْآخِرَةِ: زیر و روی کار را بر رسیدم (به گونه‌ای که خواب از چشمم پرید)؛ دیدم یا باید با این قوم بجنگم یا آنچه را محمد (ص) آورده انکار کنم. پس جنگ با آنان را از عذاب خدا آسانتر یافتم که رنجهای این جهانی، تحمل‌پذیرتر از عذابهای آن جهانی است...» (همان، خطبه ۵۴: بخش ۲-۳). (ی) **انهدام افکار شیطانی:** از دیگر رسالتهای نظام سیاسی اسلام، انهدام افکار شیطانی است؛ زیرا این افکار علاوه بر تزلزل در ایمان مسلمین در شکستن وحدت نظام اسلامی نقش اساسی دارد. با توجه به نقش تخریبی این نگرش، حضرت علی (ع) در جمع لشکریان این رسالت را چنین تبیین فرمودند: «... وَ طَبِئُوا عَنْ أَنْفُسِكُمْ نَفْسًا وَ امْشُوا إِلَى الْمَوْتِ مَشْيًا سُجْحًا وَ عَلَيْكُمْ بِهَذَا السَّوَادِ الْأَعْظَمِ وَ الرُّوَاقِ الْمُطَنَّبِ فَاضْرِبُوا تَبَجَّهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ كَامِنٌ فِي كِسْرِهِ وَ قَدْ قَدَّمَ لِلْوَثْبَةِ يَدًا وَ آخَرَ لِلنُّكُوصِ رِجْلًا فَصَمْدًا صَمْدًا حَتَّى يَنْجَلِيَ لَكُمْ عَمُودُ الْحَقِّ...: از جانبازیهای خود شادمان باشید و سبک و آسان به سوی مرگ روید. به آن سپاهی انبوه، یعنی سپاه شامیان بتازید و بر آن سراپرده‌ای که طنابهایش به اطراف کشیده شده است، حمله برید و شمشیرهای خود بر یال و کتفشان فرود آرید. که **شیطان** در درون آن لانه کرده است. دستی پیش داشته که بجهد و بتازد و پایی واپس نهاده، که به هنگام بگریزد. آهنگ او و یارانش کنید، تا پرتو حقیقت بر شما تجلی کند...» (همان، خطبه ۶۶: قسمت ۴-۵). (ک) **مبارزه با مدعیان دروغین:** نظر به اینکه محور چشم‌انداز مکتب حیات بخش اسلام، تحقق مقام قرب الهی انسان است، باید با قدرت تمام موانع این هدف متعالی را برطرف کند. یکی از این موانع، مدعیان دروغین هستند. حضرت علی (ع) رسالت یادشده را در خطبه‌ای در جمع مردم مدینه چنین خطاب می‌کنند: «... أَلَا وَ إِنِّي أَعْقَابُ رَجُلَيْنِ: رَجُلًا ادَّعَى مَا لَيْسَ لَهُ، وَ آخَرَ مَنَعَ الَّذِي عَلَيْهِ: آگاه باشید که من با دو کس پیکار کنم: یکی کسی که چیزی را ادعا کند که حق او نباشد و دیگر کسی که از ادای حقی که به گردن اوست سر برتابد...» (همان، خطبه ۱۷۳: بخش ۳). (ل) **احقاق حق:** از دیگر رسالتهای چشم‌انداز مکتب اسلام، احقاق حق است. این رسالت در

قسمتی از خطبه ۱۸۰؛ خطاب به محمدابن ابی بکر چنین بیان شده است: «... مَا تَنْتَظِرُونَ بِنَصْرِكُمْ وَ الْجِهَادِ عَلَيَّ حَقُّكُمْ؟ الْمَوْتُ أَوْ الدَّلُّ لَكُمْ. منتظر چه چیزی هستید؟ چرا برای گرفتن حق خود جهاد نمی کنید؟ آیا در انتظار مرگ یا ذلت هستید...» (همان، خطبه ۱۸۰: قسمت ۳).

سؤال دوم: در راستای تحقق رسالت‌های یادشده؛ فرهنگ علوی برای نیروهای مسلح چه مأموریت‌هایی را متصور است؟ نظر به رسالت‌های چشم‌انداز نظام سیاسی اسلام و تعاریف عرضه شده از مأموریت و نظر به مطالعات اکتشافی در نهج‌البلاغه برای نیروهای مسلح علوی مأموریت‌های خطیری به این شرح قابل استنباط است: **(الف) امنیت نظامی:** حُصُونُ الرَّعِيَّةِ - دژهای استوار رعیتند. **(ب) امنیت سیاسی:** وَ زَيْنُ الْوَلَاءِ - زینت والیان. **(ج) امنیت اعتقادی:** وَ عِزُّ الدِّينِ - دین خدا به آنها عزت یابد. **(د) امنیت اقتصادی:** وَ سُبُلُ الْأَمْنِ - راه‌ها به آنها امن شود. **(ه) امنیت اجتماعی:** وَ كَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ، و کار رعیت جز به آنها استقامت نپذیرد...» (خان احمدی، ۱۳۹۱: ۱۸۱).

سؤال سوم: حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله) از سپاه چه انتظاراتی دارند که مؤید منشور است؟ از مطالعات اکتشافی در فرمانها و رهنمودهای حضرت امام (ره) و فرماندهی معظم کل قوا بخشی از انتظارات از این نهاد مقدس را می‌توان به این شرح برشمرد:

(الف) پاسداری از اسلام: حضرت امام (ره) در جمع پاسداران سپاه همدان این انتظار را چنین تبیین می‌فرمایند: «... برادرها! از پاسداری خوب پاسداری کنید. لشکر اسلام باشید. پاسدار اسلام و قرآن باشید پاسداری از اسلام بکنید...» (صحیفه، جلد ۸: ۳۷۱). در مناسبتی دیگر این انتظار را چنین تبیین می‌فرمایند: «... روحانیون و پاسداران هر دو پاسدار اسلام هستند...» (صحیفه، جلد ۱۰: ۱۰۹).

(ب) پاسداری از انقلاب اسلامی: این انتظار در پیام حضرت امام (ره) به سپاه در سال ۱۳۵۸ چنین ابلاغ شد: «... هان، ای پاسداران عصر حاضر و انقلاب اسلامی! به امام امت و پاسدار قرآن کریم و اسلام اقتدا نموده، حق پاسداری از انقلاب اسلامی را به خوبی ادا کنید و از این منصب بزرگ، که منصب انبیای اعظام و اولیای خداوند تعالی است به خوبی حفاظت کنید...» (صحیفه، جلد ۸: ۳۰۶).

(ج) پاسداری شرافتی بزرگ: این انتظار را حضرت امام (ره) چنین تبیین فرمودند: «... شما امروز با سمت پاسداری در جمهوری اسلامی یک شرافت زیاد بزرگ دارید و یک مسئولیت

بزرگ. اما شرافت، برای اینکه خدمتگزار به اسلام، و خدمتگزار به دین اسلام شریف است...» (صحیفه، جلد ۹: ۲۲۰). **دفع توطئه‌ها:** این انتظار را معمار کبیر انقلاب در جمع نیروهای سپاه تهران چنین بیان فرمودند: «... باید شما که پاسداران اسلام، شما که سربازان امام زمان - سلام الله علیه - هستید باید با هوشیاری، با اراده قوی، با مشت محکم، جلوی این توطئه‌ها را بگیرید ... شما پاسداران اسلام باید قوی و محکم در مقابل این توطئه‌ها بایستید...» (صحیفه، جلد ۷: ۳۰ و ۳۱). **ه) پاسداری یک واقعیت:** در مورد انتظار یادشده حضرت امام می‌فرمایند: «...الآن شما اسم شریف پاسداری برایتان ثبت شده است؛ پاسدار اسلام، پاسدار انقلاب اسلامی. پاسدار انقلاب اسلامی، لفظ نیست، یک واقعیت است...» (صحیفه، جلد ۱۰: ۱۱۱). **و) ترویج فرهنگ پاسداری:** این انتظار در جمع مسئولان اطلاعات سپاه چنین تبیین شده است: «... پاسدار اسلام هم باید خودش اسلامی باشد و هم دیگران را اسلامی کند و هم مشی‌اش یک مشی باشد...» (صحیفه، جلد ۱۲: ۲۵۴). **ز) تضعیف ابرقدرتها:** در پیامی به این نهاد مقدس، انتظار یادشده چنین تبیین شده است: «... مادامی که ما پاسدار واقعی باشیم کشورهای بزرگ نمی‌توانند کاری انجام دهند...» (صحیفه نور، جلد ۲۲: ۲۱۰). **فرماندهی معظم کل قوا** در نگاهی کلی انتظار از سپاه را در قالب سه مأموریت چنین ابلاغ می‌فرمایند: **۱) دفاع از انقلاب:** در مورد این مأموریت می‌فرمایند «... دفاع مسلحانه از انقلاب و نظام اسلامی است که این مأموریت محوری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است...» (**حدیث ولایت، ج ۳: ۴، ۲**) **سازماندهی ارتش ۲۰ میلیونی:** درباره این مأموریت می‌فرمایند: «...سازماندهی ارتش بیست میلیونی است. این ارتش که اولین بار امام عزیزمان در اولین ماه‌های انقلاب بر زبان مبارکشان جاری کردند...» (همان: ۵). **۳) تشکیل هسته‌های مردمی در جهان:** در زمینه مأموریت یادشده می‌فرمایند: «... همان چیزی که امروز سپاه پاسداران در قالب سپاه قدس یا نیروی قدس از آن یاد می‌کند و امام بزرگوارمان تشکیل هسته‌های مردمی حزب‌الله در سراسر جهان را یکی از آرزوهای خود و یکی از دستورهای کار آینده انقلاب اسلامی در سطح جهان قرار دادند...» (همان). **تجزیه و تحلیل:** رسالت‌های یازده‌گانه چشم انداز نظام اسلامی از دید فرهنگ علوی، مأموریت‌های خطیر متصور برای نیروهای مسلح در نظام اسلامی برگرفته از نهج البلاغه، انتظارات

حضرت امام(ره) وفرماندهی کل قوا(مدظله) از سپاه و تجربه بیش از سه دهه انقلاب اسلامی به بهترین شکل، تبیین کننده منشور پاسداری است؛ منشوری که با اصول متصور، شکل دهنده سازمان و تربیت کننده افرادی باشد که قادر به تحقق رسالت‌های یادشده باشند. براین اساس سؤال اصلی تحقیق به شرح زیر طرح شد:

سؤال اصلی: منشور پاسداری مبتنی بر فرهنگ علوی چه اصولی دارد؟ نظر به رسالتها، مأموریتها، انتظارات، تهدیدات انقلاب اسلامی و نقشی که برای سپاه پاسداران در محیط داخلی منطقه‌ای و بین‌المللی برای دفع تهدیدات متصور است، پژوهشگران با شناخت نسبت به اهداف و سازمان و رسالت پاسداری و مصاحبه با خبرگان (علمای حوزه) و پژوهشگران با شناخت نسبت به اهداف و منشور^۱ پاسداری تدوین کردند که با استعانت از کتاب شریف نهج البلاغه این اصول، مشخص و تشریح می‌شود:

الف) اصل استقامت: حضرت امام(ره) در تعریف استقامت می‌فرمایند: «... استقامت معنایی این است که اگر گرفتاریهایی پیدا شد در جهاد، اگر در جنگهایی که پیش می‌آید برای یک ملتی که می‌خواهد شرافتمند باشد، می‌خواهد اسلام را و نهضت اسلامی را به ثمر برساند، ... در مشکلات سستی نکند این امر خداست...» (صحیفه، جلد ۱۳: ۲۲۰). نظام سیاسی اسلام، نظامی است که بر مبنای ایمان به خدای یکتا و در راستای تحقق اهداف متعالی^۲ چون احقاق حق، ... شکل گرفته؛ تحقق این اهداف متعالی نیازمند رزمندگانی با آستانه استقامت قوی است؛ حضرت این اصل را چنین تبیین می‌کنند: «تُرْوَلُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُّ: اگر کوه‌ها متزلزل شوند، تو پایدار و استوار باش...» (دستی، ۱۳۸۲، خطبه: ۱۱ بخش یکم). حضرت امام(ره) اصل یادشده را به عنوان رمز و عامل مؤثر در پیروزی نهایی چنین تبیین می‌فرمایند: «... شما تا حالا پیروزید، استقامت کنید تا پیروزی نهایی به دستتان بیاید؛ خودتان را بسازید...» (صحیفه، جلد ۱۷: ۲۵). حضرت امام(ره) پیامبر اکرم(ص) را به عنوان الگوی استقامت چنین معرفی می‌کنند: «رسول گرامی در اثر استقامت، مکتبی را پایه گذاری کرد که نجات بخش همه انسانهاست... ما باید آن را الگوی خودمان قرار بدهیم... باید ببینیم که آنها در مدت زندگیشان برای اسلام چه ناروایی‌ها، چه گرفتاریها تحمل

1- Charter

2- Overarching goals

کرده اند! (صحیفه، جلد ۱۴: ۲۰۰). حضرت علی (ع) مالک اشتر را به عنوان الگوی این اصل چنین معرفی می‌کنند: «...مَالِكٌ وَ مَا مَالِكٌ؟ وَ اللّٰهُ لَوْ كَانَ جَبَلًا لَكَانَ فِنْدًا، وَ لَوْ كَانَ حَجْرًا لَكَانَ صَلْدًا؛ لَا يَرْتُقِيهِ الْخَافِرُ وَ لَا يُوفِي عَلَيْهِ الطَّائِرُ: مالک، مالک چه بود به خدا سوگند، اگر کوه می‌بود، کوهی بی همتا و سرافراز بود و اگر صخره‌ای بود، صخره‌ای سخت بود که سم هیچ ستوری آن را نمی‌سود و هیچ پرنده‌ای به او جش نتوانست پرید...» (همان: حکمت ۴۴۳).

ب) اصل اشرافیت اطلاعات: نظام اسلامی، نظامی است بر مبنای ایمان به خدای یکتا که در راستای تحقق اهداف متعالی چون **دفع فساد از زمین**، ... شکل گرفته است. تحقق این هدف متعالی نیازمند مجاهدانی فهیم، آگاه و با شناختی عمیق نسبت به حوادث، آگاه به معادلات سیاسی حاکم بر جریان‌های داخلی، منقطه‌ای و جهانی است. بهره‌گیری از توان اصل اطلاعات در نبرد به عنوان این ابزار کارآمد، جدید نیست. سان تزو (۳۲۰ تا ۵۰۰ ق.م) در اهمیت این اصل می‌گوید: «اگر دشمن خود را بشناسید نیاز به ترس از نتیجه یکصد جنگ هم ندارید. اگر خودتان را بشناسید اما دشمن را نشناسید باید در هر پیروزی حاصل شده منتظر یک شکست باشید. اگر نه دشمن را بشناسید و نه خود را شما در هر جنگی از پا در خواهید آمد» (خان احمدی، ۱۳۹۰: ۵۴). آموزه‌های دینی نمونه‌هایی را در حوزه سرعت، دقت و قدرت اصل اطلاعات مؤثر در تحقق اهداف الهی برای فرماندهان و رهبران نظام اسلامی تبیین می‌کند که به چند مورد به صورت مختصر اشاره می‌شود. حضرت در قسمتی از خطبه ۱۱ خطاب به محمدابن حنفیه این اصل را چنین خطاب می‌کنند: «... اَرْمِ بِيَصْرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ: تا دورترین کرانه‌های میدان نبرد را زیر نظر بگیر...» (دشتی، ۱۳۷۶: خطبه ۱۱ بخش ششم). در آیات سوره نمل خداوند متعال جایگاه این اصل را چنین تبیین می‌کند: «... فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ نَحِطُ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ - إِنْى وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ: پس درنگ کرد سلیمان (یا هدهد) زمانی نه دور (که هدهد آمد) و گفت احاطه کردم از دانش به چیزی احاطه نکردی به آن و آورده‌ام برای تو از شهر سبا داستان درست البته من یافتم زنی (به نام بلقیس) که پادشاهی می‌کند مردم سبا را و داده شده به آن زن هر چیزی (که پادشاهان را بکار آید) و او را تختی بزرگ اس» (قرآن کریم، نمل: ۲۲ و ۲۳). در آیات دیگر قرآن کریم دقت و قدرت در اطلاعات به عنوان فرایندی از جنگ اطلاعات چنین تبیین شده: «... قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ: سلیمان گفت بزودی (در

این سخن) در نگریم آیا راست گفتمی یا از دروغگویانی» (همان: ۲۷). آیاتی از سوره قصص نقش این جنگ در خنثی کردن هدف دشمنان در راستای ترور رهبران نظام الهی چنین تبیین می‌کنند: «وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ» و آمد مردی از دورترین نقطه شهر در حالیکه شتاب می‌کرد (تا به موسی رسید) گفت ای موسی البته بزرگان قوم فرعون مشورت می‌کنند درباره تو تا بکشندت پس بیرون شو که من از نیک خواهانم» (همان، قصص: ۲۰). حضرت علی(ع) در سال ۳۶ هجری در سرزمین ذی‌قار در قسمتی از خطبه ۲۲ این اصل را چنین توصیف می‌کنند: «... أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ ذَمَّرَ حِزْبَهُ، وَ اسْتَجَلَبَ حِزْبَهُ، لِيَعُودَ الْجَوْزُ إِلَى أَوْطَانِهِ، وَ يَرْجِعَ الْبَاطِلُ إِلَى نَصَابِهِ: آگاه باشید، که شیطان حزب خود را برانگیخته و سپاه خویش بسیج کرده، تا بار دیگر، ستم در جای خود مستقر گردد و باطل به جایگاه خود بازگردد ...» (دشتی ۱۳۷۹، خطبه ۲۲: بخش ۵). در خطبه دیگر حضرت اصل اطلاعات و نقش آن را در جلوگیری از غافلگیری را چنین تبیین می‌کنند: «... أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ وَ اسْتَجَلَبَ خَيْلَهُ وَ رَجِلَهُ وَ إِنِّ بَصِيرَتِي لَمَعَى مَا لَبَسْتُ عَلَى نَفْسِي: آگاه باشید که شیطان حزب خود را گرد آورده و سواران و پیادگانش را بسیج کرده است. همان بصیرت دیرین هنوز هم با من است ...» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵ خطبه ۱۰: بخش ۱) حضرت در راستای نهادینه شدن اطلاعات راهبردی در نظام اسلامی به قثم‌بن عباس فرماندار مکه نسبت به شورش هواداران معاویه در مکه چنین هشدار می‌دهند: «... أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ عَيْنِي بِالْمَغْرِبِ كَتَبَ إِلَيَّ يَعْلَمُنِي أَنَّهُ وَجَّهٌ إِلَى الْمَوْسِمِ أَنَا مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، الْعُمَى الْقُلُوبِ، الصَّمِّ الْأَسْمَاعِ، الْكُمِّ الْأَصَارِ، الَّذِينَ يَلْتَمِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ يُطِيعُونَ الْمَخْلُوقَ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ وَ يَخْتَلِبُونَ الدُّنْيَا دَرَهَا بِالْأَرْضِ وَ يَسْتُرُونَ عَاجِلَهَا بِأَجْلِ الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ: اما بعد، جاسوس من، که در مغرب است به من نوشته و خبر داده است که جمعی از مردم شام را برای روزهای حج به مکه فرستاده‌اند. مردمی کوردل، گران‌گوش و کوردیده که حق را از راه باطل می‌جویند و با فرمانبرداری از مخلوق، نافرمانی خالق می‌کنند و دین خویش می‌دهند و متاع ناچیز دنیا می‌ستانند و به بهای جهان نیکان و پرهیزگاران، دنیای دون را می‌خرند...» (همان، نامه ۳۳: بخش ۱). نظر به نقش این اصل در تحقق اهداف امام سجاد(ع) می‌فرمایند: «...اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ عَرِّفْهُمْ مَا يَجْهَلُونَ: خدایا بر محمد آل محمد درود فرست و رزمندگان ما را به آنچه اطلاع ندارند مطلع‌شان گردان ...» (غروی، ۱۳۸۱، دعای ۲۷: بخش ۵). این اصل منشور

علاوه بر حوزه نظامی و دفاعی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی ... در راستای تحقق اهداف و جلوگیری از غافلگیری نقش اساسی ایفا کند. حضرت علی (ع) در خطبه‌ای در شهر مدینه این مهم را چنین تبیین می‌فرماید: «... وَاللَّهِ لَا أَكُونُ كَالضَّبْعِ تَنَامُ عَلَى طُولِ اللَّذْمِ حَتَّى يَصِلَ إِلَيْهَا طَائِبُهَا وَ يَخْتَلِهَا رَاصِدُهَا: به خدا سوگند! از آگاهی لازم برخوردارم و هرگز غافلگیر نمی‌شوم که دشمنان ناگهان مرا محاصره کنند و با نیرنگ اسیرم کنند» (دشتی، ۱۳۸۶ خطبه ۶: بخش ۱).

ج) اصل اطاعت‌پذیری: اطاعت‌پذیری یعنی مطیع و گوش به فرمان بودن (اتبکی، ۱۳۹۱: ۱۷۴۶). نظام سیاسی اسلام، نظامی است بر مبنای ایمان به خدای یکتا که در راستای تحقق اهداف متعالی چون **اجابت فرمان الهی** شکل گرفته است. تحقق چنین اهدافی نیازمند رزمندگانی مطیع فرمان امام در تمام سطوح است. حضرت علی (ع) هنگام انتصاب مالک به فرماندهی سپاه در دستورالعمل ابلاغی به فرماندهان لشکر خود نضر و هانی؛ این اصل را چنین ابلاغ می‌فرماید: «... قَدْ أَرْتُ عَلَيْكُمْمَا وَ عَلِيٌّ مَنْ فِي حَيْزِكُمَا مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ أَلَاءَ شَرِّ فَاسْمَعَا لَهُ وَ أَطِيعَا، وَاجْعَلَاهُ دِرْعًا وَ مِجَنَّا، فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا يَخَافُ وَهُنَّهُ وَ لَا سَقَطَتْهُ، وَ لَا بَطُوهُ عَمَّا أَلِ سِرَاعِ إِلَيْهِ أَحْزَمٌ، وَ لَا إِسْرَاعُهُ إِلَى مَا أُبْطِئُ عَنْهَا مَثَلٌ: من، مالک اشتر را بر شما و همه سپاهیان که در فرمان شماست امیر کردم؛ به سخنش گوش دهید و فرمانش برید. او را زره و سپر خود قرار دهید؛ زیرا مالک کسی است که نه در کار سستی می‌کند و نه خطا و نه آنجا که باید درنگ کند، شتاب می‌ورزد و نه آنجا که باید شتاب ورزد، درنگ می‌کند» (دشتی، ۱۳۸۲: نامه ۱۳).

د) اصل بصیرت^۱: از این اصل تعاریف زیادی شده است که به بخشی از آنها اشاره می‌شود: در فرهنگ عمید بصیرت چنین معنی شده است: بینش، بینائی، دانائی، زیرکی، عقل، شاهد، بصیر یعنی بینا، دانا، و خبیر (عمید، ۱۳۷۷: ۳۶۰). در فرهنگ فارسی معین این معانی آمده است: (۱) بینش روشن‌بینی (۲) دانایی (۳) زیرکی، هوشیاری (۴) حجت روشن، برهان قاطع. هم‌چنین از نظر اصطلاحی بصیرت قوه قلبی است که به نور قدس روشن باشد و با آن قوه شخص حقایق و بواطن اشیا را ببیند همان‌طور که نفس به وسیله چشم صور و ظاهر اشیا را می‌بیند» (معین، ۱۳۷۱: ۵۴۶). معتمد بر این باور است که بصیرت به معنای روشن‌بینی و فهم عمیق است. «بصر» چشم ظاهری و «بصیرت» چشم دل است و این چشم دل است که به زندگی جهت می‌بخشد و «بصر» بی

1- insight

۱۳۶۶: ۵۷). ۲- **تفکر در کارها:** درباره این شاخص حضرت می فرمایند: «... أَفْكَرُ تَشْبِيْهِ: فِكْرُ كُنْ تَا بَصِيْرَتِ يَابِي. لَأَبْصِيْرَةٌ لِمَنْ لَّا فِكْرَ لَهُ: نِيْسْتِ بَصِيْرَتِيْ اَزْ بَرَايْ كَسِيْ كِهْ نَبَاشِدْ فِكْرِيْ اَزْ بَرَايْ اَوْ» (همان: ۵۷). ۳- **عبر تگیری:** این شاخص در قسمتی از خطبه ۱۰۳ چنین تبیین شده است: «... رَحِمَ اللّٰهُ اَمْرًا تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ، وَاعْتَبَرَ فَاَبْصَرَ: خِدا بِيَا مِرْزِدْ كَسِيْ رَا كِهْ بَدْرَسْتِيْ فِكْرْ كَنْد، پَنْدْ گِيْرِدْ وَ آگَا هِيْ يَابِدْ وَ بِيْنَا (بصير) شُود» (دستی، ۱۳۸۲: خطبه ۱۰۳). ۴- **دشمن شناسی:** این شاخص در خطبه ۱۰ چنین تبیین شده است: «... اَلَا وَ اِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ وَ اسْتَجَلَبَ حَيْلَهُ وَ رَجَلَهُ، وَ اِنَّ مَعِيَ لَبَصِيْرَتِيْ: مَا لَبَسْتُ عَلَيَّ نَفْسِيْ وَ لَأَبْسَ عَلَيَّ: آگَا هِ بَاشِيْدْ كِهْ شَيْطَانْ حِزْبْ خُودْ رَا جَمْعْ كَرْدِهْ وَ سِوَا رِهْ وَ پِيَا دِهْ لَشْكَرْ خُودْ رَا فَرَا خِوَانْدِهْ اسْت. اَمَا مِنْ آگَا هِيْ لَازِمْ بِهْ اَمُورْ رَا دَا رَمْ، نِهْ حَقْ رَا پُوشِيْدِهْ دَا شْتَمْ وَ نِهْ حَقْ بِرْ مِنْ پُوشِيْدِهْ مَانْد» (دستی، ۱۳۸۳: ۱۰).

هـ) اصل تدبیر: تدبیر بیان ماهرانه تصمیماست (رستمی، ۱۳۸۶: ۲۵۹). نظام اسلامی نظامی است که بر پایه ایمان به خداوند و مبارزه با ظلم، ستم و حمایت از حقوق مظلومان و مستضعفان شکل گرفته است. تحقق این هدف متعالی نیازمند مجاهدانی متفکر و با تدبیر در صحنه نبرد است؛ این اصل در خطبه ۱۱ چنین مورد تأکید قرار گرفته است: «... تَدْفِيْ اَلْاَرْضِ قَدَمَكَ- پايها، چونان میخ در زمین استوار کن ...» (همان، خطبه ۱۱: بخش ۴). اصل یادشده در قسمتی از نامه ۳۸ خطاب به مردم مصر چنین مورد تأکید قرار گرفته است: «... اَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ بَعَثْتُ اِلَيْكُمْ عِبَادًا مِنْ عِبَادِ اللّٰهِ، لَا يَنَامُ اَيَّامَ الْخَوْفِ وَلَا يَنْكُلُ عَنِ الْاَعْدَاءِ سَاعَاتِ الرَّوْعِ، اَشَدَّ عَلَيَّ الْفُجَارِ مِنْ حَرِيْقِ النَّارِ وَ هُوَ مَالِكُ بَنِ الْحَارِثِ اَخُو مَذْحِجٍ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَ اَطِيعُوا اَمْرَهُ فِيمَا طَابَقَ الْحَقُّ، فَاِنَّهُ سَيْفٌ مِنْ سِيُوفِ اللّٰهِ، لَا كَلِيْلُ الطُّبِّهِ وَ لَا نَابِي الضَّرِيْبَةِ، فَاِنْ اَمْرُكُمْ اَنْ تَنْفِرُوا فَانْفِرُوا وَ اِنْ اَمْرُكُمْ اَنْ تَقِيْمُوا فَاقِيْمُوا فَاِنَّهُ لَا يَفْتَدِمُ وَ لَا يَحْجِمُ وَ لَا يُؤَخَّرُ وَ لَا يَقَدِّمُ اِلَّا عَنْ اَمْرِيْ وَ قَدْ اَثَرْتُكُمْ بِهٖ عَلَيَّ نَفْسِيْ لِتَصِيْحَتِيْ لَكُمْ وَ شِدَّةِ شَكِيْمَتِيْ عَلَيَّ عَدُوِّكُمْ: اَمَّا بَعْدُ، بِنْدِهٖ اَيْ اَزْ بِنْدِگَانْ خِدا رَا بِهْ سِوِيْ شَمَا فِرْسْتَا دَمْ. مَرْدِيْ كِهْ دَرْ رُوزْگَارْ وَ حَشْتْ بِهْ خِوَابْ نِرُودْ وَ دَرْ سَاعَاتِ خَوْفِ اَزْ دَشْمَنْ رِخْ بَرَنْتَابِدْ؛ بَرْ دَشْمَنْ اَزْ لَهِيْبْ آتَشْ سِوَزْنِدِهْ تَرْ اسْت. اَوْ مَالِكِ بِنِ الْحَارِثِ اَزْ قَبِيْلِهْ مَذْحِجِ اسْت. دَرْ هَرْ چِهْ مِوَا فِقْ حَقْ بُوْدْ بِهْ سَخْنَشْ گُوشْ بَسْپَارِيْدْ وَ فِرْمَانَشْ رَا اِطَاعَتْ كَنْيِدْ...» (همان، نامه ۳۸: بخش ۴-۲). در قسمتی از نامه ۳۳ خطاب به قثم ابن عباس فرماندار مکه این اصل چنین توصیه شده است: «... فَاَقِمْ عَلَيَّ مَا فِيْ يَدَيْكَ قِيَامَ الْحَازِمِ الصَّلِيْبِ وَ النَّاصِحِ اللَّيْبِ التَّابِعِ لِسُلْطَانِهِ الْمُطِيعِ لِاِمَامِهِ وَ اِيَّاكَ وَ مَا يُعْتَدِرُ مِنْهُ وَ

لَا تَكُنْ عِنْدَ النَّعْمَاءِ بَطْرًا وَلَا عِنْدَ الْبُؤْسَاءِ فَشِلًّا: زمام کار خویش به دوراندیشی و سرسختی به دست گیر و چون ناصحان خردمند و پیروان امر حکومت و فرمانبرداران امامت به کار خویش پرداز. زنهار از اینکه مرتکب عملی شوی که نیازت به پوزش افتد. اگر ت نعمتی به چنگ افتد، سرمستی منمای و به هنگام بلا سست رأی و دلباخته مباش» (همان، نامه ۳۳ بخش ۵). در فرازی از نامه ۴۶ خطاب به مالک این چنین توصیه شده: «... فَاسْتَعِنُ بِاللَّهِ عَلَى مَا أَهَمَّكَ، وَأَخْلَطِ الشَّدَّةَ بِضِعْثٍ مِنَ اللَّيْنِ، وَارْفُقْ مَا كَانَ الرَّفْقُ أَرْفَقَ، وَاعْتَزِمِ بِالشَّدَّةِ حِينَ لَا يُعْنِي عَنْكَ إِلَّا الشَّدَّةُ: از خدای یاری بخواه و درشتی را به پاره‌ای نرمی بیامیز و در آنجا که نرمی و مدارا باید، نرمی و مدارا کن و در آنجا که جز درشتی تو را به کار نیاید، درشتی نمای...» (همان، نامه ۴۶: بخش ۱). نظر به نقش تدبیر در تحقق اهداف، حضرت در قسمتی از نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «... إِيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا، أَوْ التَّسْقُطَ التَّسَاقُطَ فِيهَا عِنْدَ إِمْكَانِهَا، أَوِ اللَّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا تَنَكَّرْتُ، أَوِ الْوَهْنَ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْضَحَّتْ، فَضَعْ كُلَّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ، وَ أَوْقِعْ كُلَّ عَمَلٍ مَوْقِعَهُ: از شتاب کردن در کارها پیش از رسیدن زمان آنها بپرهیز و نیز از سستی در انجام دادن کاری که زمان آن فرا رسیده است و از لجاج و اصرار در کاری که سر رشته‌اش ناپیدا بود و از سستی کردن در کارها، هنگامی که راه رسیدن به هدف باز و روشن است، حذر نمای؛ پس هر چیز را به جای خود بنه و هر کار را به هنگامش به انجام رسان» (همان، نامه ۵۳: ۱۴۸).

(و) اصل توکل: توکل در اصطلاح دینی یعنی تکیه بر خدا به عنوان وکیل (رفیعی، ۱۳۹۰: ۳۱۱). نظام سیاسی اسلام، نظامی است بر مبنای ایمان به خدای یکتا که در راستای تحقق اهداف متعالی چون: **نجات انسان از گمراهی و ظلمت** شکل گرفته است. تحقق این اهداف نیازمند انسانهایی با روحیه توکل بر خداوند است؛ این اصل در خطاب حضرت به محمدابن حنفیه چنین بیان شده: «... اعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ: و بدان که پیروزی وعده خداوند سبحان است...» (همان: خطبه ۱۱ بخش پنجم). در قسمتی از نامه ۳۴ در سال ۳۸ هجری این اصل چنین تبیین شده است: «... أَكْثَرَ الْإِسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ يَكْفِيكَ مَا أَهَمَّكَ وَ يُعْنِيكَ عَلَى مَا نَزَلَ بِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ: فراوان از خدای یاری بجوی تا در هر کار، که دل مشغولت می‌دارد، تو را کفایت کند و در هر حادثه که بر تو فرود می‌آید یاریت کند؛ ان شاء الله...» (همان، نامه ۳۴ بخش ۵). در قسمتی از خطبه ۱۱ هنگام سپردن پرچم به دست محمدابن حنفیه حضرت توکل را به عنوان مؤثرترین عامل ایجاد انگیزه در

نیروها چنین تبیین نموده‌اند: «... اَعْرَالِلَّهَ جُمُجُمَتَكَ: کاسه سرت را به خداوند به عاریت بسپار» (همان، خطبه ۱۱: بخش ۳) در قسمتی دیگر از همین خطبه این اصل به عنوان رمز پیروزی چنین تبیین شده است: «... وَ اَعْلَمُ اَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ سُبْحٰنَهُ؛ و بدان که پیروزی از آن خداوند سبحان است» (همان: قسمت آخر). در بخشی از خطبه ۹۰ نقش اصل یادشده در هدایت موفقیت آمیز صحنه نبرد چنین تبیین شده است: «... وَ غَالِبُ مَنْ عَادَاهُ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاةٌ؛ و بر دشمنان پیروز است هر کس که بر او (خدا) توکل کند و او را کفایت می‌کند» (همان، خطبه ۹۰: بخش ۶) در قسمتی از خطبه ۱۴۶ خطاب به خلیفه دوم، توکل بر خدا به عنوان مهمترین عامل جبران کننده برتری توان رزم چنین توصیه شده است: «... اَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ عَدَدِهِمْ فَاِنَّا لَمَ نَكُنْ نُقَاتِلُ فِيمَا مَضَى بِالْكَثْرَةِ، وَاِنَّمَا كُنَّا نُقَاتِلُ بِالنَّصْرِ وَ الْمُعْوَنَةِ؛ در باب شمار بسیارشان، ما در گذشته هرگز به پشتگرمی انبوهی سپاه نمی‌جنگیدیم؛ به یاری و مدد خداوند بود که می‌جنگیدیم» (همان، خطبه ۱۴۶: بخش ۸).

ز) اصل خطرپذیری (ایثار): نظام سیاسی اسلام، نظامی است بر مبنای ایمان به خدای یکتا که در راستای تحقق اهداف متعالی چون **مقابله با توطئه‌ها و دفاع از اسلام** شکل گرفته است و تحقق این هدف جز با خطرپذیری رزمندگان میسر نیست. حضرت در سال ۴۰ هجری و اواخر عمر با برکت خود در شهر کوفه بر روی سنگی که جعده مخزونی آماده کرده بود، ایستادند و این اصل را چنین بیان فرمودند: «اِنَّ اِخْوَانِي الَّذِيْنَ رَكِبُوا الطَّرِيقَ، وَ مَضَوْا عَلَيَّ الْحَقَّ اِنَّ عَمَارًا، وَ اِنَّ ابْنَ التَّيْهَانِ، وَ اِنَّ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ، وَ اِنَّ نَظْرَاؤَهُمْ مِنْ اِخْوَانِهِمُ الَّذِيْنَ تَعَاقَدُوا عَلَيَّ الْمِيْثَةَ، وَ اِنَّ بَرْدَ بَرءٍ وَسِيْهِمْ اِلَى الْفَجْرِ؟: کجایند برادران من که قدم در راه نهادند و همراه حق در گذشتند؟ عمار بن یاسر کجاست؟ ابن تیهان کجاست؟ ذوالشهادتین کجاست؟ کجایند همانندان ایشان، برادرانمان که با مرگ پیمان بستند و سرهایشان به سوی بزهکاران فرستاده شد» (همان، خطبه ۱۸۲: ۲۹). خطاب به محمدابن حنفیه؛ این اصل چنین توصیه شده است: «... غَضَّ بَصْرَكَ: صحنه‌های وحشت خیز را نادیده بگیر» (همان: خطبه ۱۱ بخش ۶).

ح) اصل رازداری: نظام سیاسی اسلام، نظامی است بر مبنای ایمان به خدای یکتا که در راستای تحقق اهداف متعالی چون **دفع فساد از زمین** و شکل گرفته است. تحقق این هدف متعالی با حفظ اسرار و غافلگیر نمودن دشمنان بشریت میسر است. نظر به اینکه این مهم با رعایت اصل تأمین، محقق می‌شود؛ تعریفی از تأمین عرضه می‌شود؛ تأمین، «حفاظت در مقابل عملیات

غافلگیری، جاسوسی، خرابکاری، ایدایی و دیده‌بانی است» (اصول و قواعد، ۱۳۷۶: ۶). بر این اساس حضرت در نامه ۵۰ خطاب به فرماندهان سپاه خود این اصل را چنین مورد تأکید قرار می‌دهند: «... اءَلَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي اءَلَا اءَحْتَجِزَ دُونَكُمْ سِرًا اِلَّا فِي حَرْبٍ: بدانید، حقی که شما بر عهده من دارید، این است که چیزی را از شما مخفی ندارم، جز اسرار جنگ» (دشتی، ۱۳۸۶، نامه ۵۰: بخش سوم). در حکمت ۴۸ حضرت نقش این اصل در پیروزی بر دشمنان را چنین تبیین می‌نمایند: «...الطَّفَرُ بِالْحَزْمِ، وَالْحَزْمُ بِاِجَالَةِ الرَّأْيِ، وَ الرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ: پیروزی به دوراندیشی است و دوراندیشی به جولان اندیشه و جولان اندیشه به نگاه داشتن اسرار است» (همان، حکمت ۴۸).

ی) اصل صبر: نظام سیاسی اسلام، نظامی است بر مبنای ایمان به خدای یکتا که در راستای تحقق اهداف متعالی چون **اجابت فرمان الهی** شکل گرفته است که تحقق این اهداف متعالی نیازمند مجاهدانی صبور است. حضرت این اصل را خطاب به محمدابن حنفیه در سال ۳۶ هجری چنین خطاب می‌کنند: «... عَضَّ عَلَى تَأْجِدِكَ، دندانها را به هم بفشر» (همان، خطبه ۱۱: بخش سوم). در جای دیگر این اصل را چنین مورد توجه قرار می‌دهند: «... فَأَنَّمَا يَنْزِلُ النَّصْرَ بَعْدَ الصَّبْرِ: پیروزی همواره بعد از صبر به دست خواهد آمد» (حورعاملی، ۱۳۹۱: ۱۵۲). نظر به نقش حیاتی این اصل در تحقق اهداف؛ این اصل چنین مورد تأکید حضرت قرار گرفته است: «صبر در ناگواریها راه دستیابی انسان به کمال است» (ایزدی، ۱۳۸۹: ۷۱). حضرت هم‌چنین در خصوص نقش اصل یادشده در شناخت رزمنده می‌فرمایند: «صبر کلید درک است» (همان).

ی) اصل قاطعیت: نظام سیاسی اسلام، نظامی است بر مبنای ایمان به خدای یکتا که در راستای تحقق اهداف متعالی چون **مقابله با عصیان‌گران** شکل گرفته است. این مهم جز با قاطعیت رزمنده و فرمانده صحنه نبرد محقق نمی‌شود؛ لذا حضرت در سال ۳۶ هجری پس از بازگشت فرستادگان از جانب زبیر و طلحه در منطقه ذی‌قار در خطبه‌ای درباره این اصل می‌فرمایند: «... فَإِنَّ أَبَوَاءَ عَطِيتُهُمْ حَدَّ السَّيْفِ وَ كَفَى بِهِ شَأْفِيَا مِنَ الْبَاطِلِ وَ نَاصِرَا لِلْحَقِّ: اما اگر سرباز زنند با شمشیر تیز پاسخ آنها را خواهم داد که برای درمان باطل و یاری حق کافی است...» (همان، خطبه ۲۲: بخش ۵). حضرت در خطبه‌ای در شهر کوفه در ضرورت این اصل می‌فرمایند: «... وَ لَعْمَرِي مَا عَلَيَّ مِنْ قِتَالٍ مَنْ خَالَفَ الْحَقَّ وَ خَابَطَ الْغَيَّ مِنْ إِذْهَانٍ وَ لَا إِيْهَانٍ: به جان خودم سوگند در نبرد با

کسی که مخالفت حق کند و طریق گمراهی سپرد، نه مداهنه می‌کنم و نه سستی...» (همان خطبه ۲۴: بخش ۱). از ابن عباس نقل است که در سرزمین ذی‌قار بر امام وارد شدم هنگامی که حضرت قصد نبرد با ناکثین را داشتند در جمع سپاه چنین فرمودند: «... أَمَا وَاللَّهِ إِنْ كُنْتُ لَفِي سَاقِيهَا، حَتَّى تَوَلَّيْتُ بِحَدِّهَا، مَا عَجَزْتُ وَلَا جَبُنْتُ، وَإِنْ مَسِيرِي هَذَا لِمِثْلِهَا، فَلَاءَ تُقِينُ الْبَاطِلَ حَتَّى يَخْرُجَ الْحَقُّ مِنْ جَبِيهِ: به خدا سوگند، که من از پیشتازان سپاه اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد. هرگز من نه ناتوانی نمودم و نه بیم به دل راه دادم. اکنون در این راه هم که می‌روم همانند راهی است که با رسول‌الله (ص) رفته بودم. امروز هم، باطل را بر می‌دم تا چهره حق از پهلوی آن آشکار شود...» (همان خطبه ۳۳: بخش ۴). پس از شکست شورشیان خوارج در سال ۳۸ هجری حضرت در نخله در جمع سپاهی که در حال آمادگی برای نبرد با شامیان بود این اصل را چنین بیان فرمودند: «... فَأَمَّا أَنَا فَوَاللَّهِ دُونَ أَنْ أُعْطِيَ ذَلِكَ ضَرْبٌ بِالْمَشْرِفِيَّةِ تَطِيرُ مِنْهُ فَرَّاشُ الْهَامِ وَ تَطِيحُ السَّوَاعِدُ وَالْأَقْدَامُ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ ذَلِكَ مَا يَشَاءُ: ولی من به خدا سوگند، پیش از اینکه به دشمن فرصتی چنین دهم، با شمشیر مشرفی خود، چنانش می‌زنم که استخوانهای کاسه سرش در هوا پراکنده و دستها و پاهایش جدا گردد» (همان خطبه ۳۴: قسمت ۴). آن حضرت درباره این اصل در سال ۳۷ هجری در آستانه جنگ صفین می‌فرمایند: «... وَ قَدْ قَلْبْتُ هَذَا الْأَمْرَ بَطْنَةً وَ ظَهْرَةً حَتَّى مَعَيْنِي النَّوْمُ فَمَا وَجَدْتَنِي يَسْعُنِي إِلَّا قِتَالُهُمْ أَوْ الْجُحُودُ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ ص فَكَانَتْ مُعَالَجَةُ الْقِتَالِ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مُعَالَجَةِ الْعِقَابِ وَ مَوَاتِ الدُّنْيَا أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مَوَاتِ الْآخِرَةِ: زیر و روی جنگ با معاویه را بر رسیدم (به گونه ای که خواب از چشمم برید). دیدم یا باید با این قوم بجنگم یا آنچه را محمد (ص) آورده انکار کنم؛ پس، جنگ با آنان را از عذاب خدا آسانتر یافتم که رنج‌های این جهانی، تحمل‌پذیرتر از عذابهای آن جهانی است» (همان خطبه ۵۴: بخش ۲). در سال ۳۶ هجری هنگام حرکت به سوی شهر بصره در جمع حجاج در صحرای ربه در باره اصل قاطعیت می‌فرمایند: «... وَ أَيْمُ اللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ مِنْ سَاقِيهَا حَتَّى تَوَلَّيْتُ بِحَدِّهَا، مَا اسْتَوْسَقْتُ فِي قِيَادِهَا، مَا ضَعَفْتُ، وَلَا جَبُنْتُ، وَلَا خُنْتُ، وَلَا وَهَنْتُ وَ أَيْمُ اللَّهِ لَأَبْقِرَنَّ الْبَاطِلَ حَتَّى أُخْرِجَ الْحَقَّ مِنْ خَاصِرَتَيْهِ: به خدا سوگند، که من پیشرو لشکر اسلام بودم و لشکر کفر را می‌راندم تا همگی از کیش دیرین خود بازگشتند و فرمانبردار شدند. من در همه این احوال، سستی به خرج ندادم و از مرگ نهراسیدم و به خیانت آلوده نشدم و در کارم ناتوانی پدید نیامد. به خدا سوگند، باطل را می‌گشایم

تا حق را از درون آن بیرون کشم» (همان، خطبه ۱۰۴: بخش ۴). حضرت در نامه به برادرش عقیل هنگام کوچ دادن لشکر به سوی دشمن در سال ۳۹ هجری می‌فرماید: «... وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ رَأْيِي فِي الْقِتَالِ، فَإِنَّ رَأْيِي قِتَالُ الْمُحِلِّينَ حَتَّىٰ أَلْقَى اللَّهَ: پرسیده بودی که در پیکار با این قوم چه راهی دارم؟ به خدا سوگند با این مردم پیمان شکن می‌جنگم تا خدا را دیدار کنم...» (همان، نامه ۳۶: بخش ۵).

ک) اصل مردم‌داری: نظام سیاسی اسلام، نظامی است بر مبنای ایمان به خدای یکتا که در راستای تحقق اهداف متعالی چون **تکریم مردم** شکل گرفته است. تحقق این هدف با اصل مردم‌داری میسر است. حضرت رعایت این اصل را در خطاب به بزرگ پاسدار اسلام مالک اشتر در سال ۳۸ هجری چنین می‌فرماید: «... وَأَخْفِضْ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ، وَأَبْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَاعْلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ، وَ آسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ وَالْإِشَارَةِ وَالتَّجِيَّةِ: و با رعیت فروتن باش و گشاده روی و نرم‌خوی و مباد که یکی را به گوشه چشم نگری و یکی را رویاروی نگاه کنی یا یکی را به اشارت پاسخ گویی و یکی را با درود و تحیت. با همگان یکسان باش» (همان، نامه ۴۶: ۳). نظر به نقش این اصل در تحقق اهداف نظام اسلامی، حضرت هنگام انتصاب مالک اشتر به فرمانداری مصر او را چنین خطاب می‌کنند: «... وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللُّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا: مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را عنیمت دانی ...» (همان، نامه ۵۳: ۸).

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

این بخش دو بُعد زیر را شامل می‌شود:

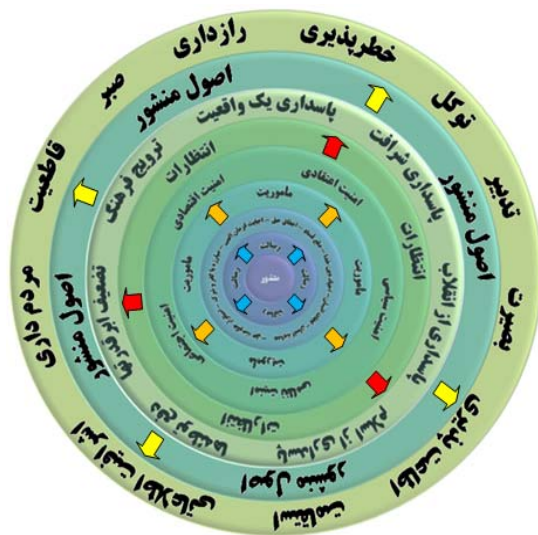
الف) نتیجه‌گیری

به طور کلی تدوین گزارش تحقیق آخرین مرحله فرایند پژوهشی به شمار نمی‌رود؛ زیرا اغلب پژوهش‌های علوم رفتاری به منظور هدفهای بنیادی و کاربردی در زمینه‌های مختلف انجام می‌شود. اگر پژوهشگر نتواند نظر و نتایج تحقیق خود را روشن و قابل فهم بیان کند به کار علمی

وی لطمه خواهد خورد (سرمد، ۱۳۷۶: ۵۸)؛ براین اساس برای این پژوهش دو نتیجه زیر متصور است:

(۱) **تدوین الگو:** با توجه به تعریف منشور پاسداری، رسالت متصور برای نظام سیاسی اسلام، مأموریت‌های خطیر ابلاغی در ابعاد اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی برای نیروهای مسلح علوی از دیدگاه نامه ۵۳ در راستای تحقق اهداف متصور و نظر به انتظارات حضرت امام و فرماندهی معظم کل قوا از نهاد مقدس سپاه با توجه به تهدیدات متصور که به تدوین اصول منشور پاسداری مبتنی بر فرهنگ علوی منتهی شد، الگوی منشور را می‌توان به شرح ذیل ترسیم و تدوین کرد:

(۲) **ایجاد ظرفیت پنجگانه:** الگوی منشور پاسداری مبتنی بر فرهنگ علوی که بر مبنای رسالت چشم‌انداز، مأموریت و انتظارات تدوین شد، ظرفیت پنجگانه ذیل را برای نظام سیاسی اسلام شکل می‌دهد:



الگوی منشور پاسداری مبتنی بر فرهنگ علوی

۲-۱) ظرفیت‌سازی^۱ به منظور رویارویی با تهدیدات سخت^۲ دشمن: نیروهای نهاد مقدس سپاه با نهادینه کردن این سخن حضرت که می‌فرماید: «تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُولُ: اگر کوه‌ها متزلزل شوند، تو پایدار و استوار باش» (دستی، ۱۳۸۲: خطبه ۱۱ بخش یکم) و نظر به این بخش خطبه ۱۸۲ که می‌فرماید: «إِئْتِنِ إِخْوَانِي الَّذِينَ رَكِبُوا الطَّرِيقَ، وَمَضَوْا عَلَى الْحَقِّ إِئْتِنِ عَمَّارًا، وَإِئْتِنِ ابْنَ التَّيْهَانِ، وَإِئْتِنِ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ، وَإِئْتِنِ نَظْرَاؤُهُمْ مِنْ إِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ تَعَاقَدُوا عَلَى الْمَيْتَةِ، وَإِئْتِنِ بَرُّوسِيَهُمْ إِلَى الْفَجْرَةِ: کجایند برادران من که قدم در راه نهادند و همراه حق در گذشتند؟ عمار بن یاسر کجاست؟ ابن تیهان کجاست؟ ذوالشهادتین کجاست؟ کجایند همانندان ایشان؛ برادرانمان که با مرگ پیمان بستند و سرهایشان به سوی بزهکاران فرستاده شد...» (همان، خطبه ۱۸۲: بخش ۲۹)، بهترین ظرفیت رویارویی با تهدیدات سخت را برای نظام سیاسی اسلام شکل می‌دهند.

۲-۲) ظرفیت‌سازی به منظور رویارویی با تهدیدات نیمه سخت: نیروهای نهاد مقدس سپاه با نهادینه کردن این سخن حضرت که می‌فرماید: «... عَضَّ عَلَى نَاجِدِكَ، دَنَدَانَهَا رَا بِه هَم بَفْشَر...» (همان، خطبه ۱۱: بخش سوم) و نظر به این بخش بیانات حضرت که می‌فرماید: «... فَإِنَّمَا يَنْزِلُ النَّصْرَ بَعْدَ الصَّبْرِ: پیروزی همواره بعد از صبر به دست خواهد آمد...» (حورعاملی، ۱۳۹۱: ۱۵۲)، بهترین ظرفیت برای رویارویی با تهدیدات نیمه سخت را برای نظام سیاسی اسلام شکل می‌دهند.

۲-۳) ظرفیت‌سازی به منظور رویارویی با تهدیدات نرم^۳: نیروهای نهاد مقدس سپاه با نهادینه کردن این سخن حضرت که می‌فرماید: «... إِيَّاكُمْ وَإِنَّ لَكُمْ عِنْدِي إِعْلَاءَ حَنْجَزٍ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ- ترجمه: بدانید، حقی که شما بر عهده من دارید، این است که چیزی را از شما مخفی ندارم، جز اسرار جنگ...» (همان، نامه ۵۰: بخش سوم) و نظر به این سخن حضرت که می‌فرماید: «... الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ، وَالْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ، وَالرَّأْيُ بِتَخْصِينِ الْأَسْرَارِ: پیروزی به دوراندیشی است و دوراندیشی به جولان اندیشه و جولان اندیشه به نگاه داشتن اسرار است...» (همان، حکمت ۴۸) و هم چنین نظر به بخشی از خطبه ۱۰۳ که می‌فرماید: «... رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ، وَاعْتَبَرَ

1- Capabilities Building
2- Head Threats
3- Soft Threats

فَاءَبْصَرَ: خدا پیامرزد کسی را که به درستی فکر کند و پند گیرد و آگاهی یابد و بینا (بصیر) شود...» (دشتی، ۱۳۸۲: خطبه ۱۰۳)، بهترین ظرفیت برای رویارویی با تهدیدات نرم را برای نظام سیاسی اسلام شکل می‌دهند.

۲-۴) ظرفیت‌سازی برای عمق بخشی داخلی: نیروهای نهاد مقدس سپاه با نهادینه کردن این سخن حضرت که می‌فرمایند: «... وَأَخْفِضْ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ، وَأَبْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَءِئِلْنَ لَهُمْ جَانِبَكَ، وَ آسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظْرَةِ وَالْإِشَارَةِ وَالنَّحِيَّةِ: و با رعیت فروتن باش و گشاده روی و نرمخوی و مباد که یکی را به گوشه چشم نگری و یکی را رویاروی نگاه کنی یا یکی را به اشارت پاسخ گویی و یکی را با درود و تحیت. با همگان یکسان باش...» (همان، نامه ۴۶: ۳). نظر به خطاب حضرت به مالک اشتر که می‌فرمایند: «... وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللُّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا: مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان راغنیمت دانی...» (همان، نامه ۵۳: ۸). بهترین ظرفیت عمق بخشی داخلی را برای نظام سیاسی اسلام شکل می‌دهند.

۲-۵) ظرفیت‌سازی به منظور عمق بخشی خارجی: نیروهای نهاد مقدس سپاه با نهادینه کردن این سخن حضرت که می‌فرمایند: «... اَرْمِ بِبَصْرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ: تا دورترین کرانه‌های میدان نبرد را زیر نظر بگیر...» (دشتی، ۱۳۷۶: خطبه ۱۱ بخش ششم) و نظر به این بخش از خطبه ۱۵۰ که می‌فرمایند: «... حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ: شمشیرها را در راه خدا کشیدند و بصیرتهای خویش را بر شمشیرهایشان سوار کردند. (همان، خطبه ۱۵۰، بخش هفتم)، بهترین ظرفیت عمق بخشی خارجی را برای نظام سیاسی اسلام شکل می‌دهند.

ب) پیشنهادها

با توجه به این بخش از بیانات فرماندهی کل قوا که می‌فرمایند: «... مهمترین زیر ساخت در هر کاری و در هر سازمانی در ارتش، نیروی دریایی نیروی انسانی ماست؛ قدر این جوانها را بدانید قدر این استعدادها را بدانید ...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۱۴) و نظر به اینکه «مطلب مهم در هر پژوهش علمی این است که کار تحقیقی باید همیشه با اجتهاد و اظهار نظر همراه باشد و محقق در

پایان کار براساس مطالعات انجام شده به طور قاطع نظر خود را در باره موضوع اعلام دارد تا به گسترش دامنه معرفتی علم و یافته‌های موجود کمک کند؛ در غیر این صورت، تحقیق ارزش علمی خوبی ندارد و اعتبار علمی زیادی نخواهد داشت... همین فرایند از طریق تازه‌آفرینی تحقیقات علمی باعث غنی شدن و تقویت ادبیات یک حوزه علمی می‌شود، و در یک حرکت جمعی هماهنگ، قلمرو معرفتی انسان را افزایش و توسعه می‌دهد و علم و فناوری را دائماً تکامل و گسترش می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۲۱). در راستای نهادینه شدن منشور پیشنهادهایی در سطوح پژوهشی، آموزشی و اجرایی به شرح ذیل عرضه می‌شود:

- ۱- کارگروهی متشکل از حوزه‌های علمیه و دانشگاه امام حسین (ع) در راستای نهادینه نمودن اصول منشور فعالیت کنند. ۲- همایش ملی با همکاری مراکز علمی و تحقیقاتی در راستای تشریح تبیین اصول یادشده برگزار شود. ۳- مؤلفان متعهد و متخصص در این خصوص اقدام به تألیف آثار علمی کنند. ۴- مراکز دانشگاهی (تحصیلات تکمیلی) و حوزه‌های علمیه بخشی از منابع درسی را به این امر اختصاص دهند. ۵- اصول یادشده در سطوح مختلف سازمان با در نظر گرفتن ویژگیهای هر سطح نهادینه شود. ۶- ساختار جذب و آموزش و تربیت نیروی انسانی سازمان بر مبنای فرهنگ علوی اصلاح شود. ۷- مفاهیم فرهنگ سازمانی بر مبنای فرهنگ علوی نوسازی معنوی ایجاد شود. ۸- گزینش و انتصاب مدیران رده‌های مختلف سازمان بر مبنای اصول منشور ۹- اصلاح ساختار ارزشیابی عملکرد مدیران و فرماندهان سازمان ۱۰- توسعه کیفی: براساس این فرمایش فرماندهی کل قوا که می‌فرمایند: «... البته ما در برنامه نداریم که نیروهای مسلح را، فعلاً تا مدتی، از لحاظ کمی توسعه دهیم. بحمدالله از لحاظ کمی در حد نصاب است و توسعه لازم ندارد. اما توسعه از لحاظ کیفی، حد و سقف ندارد. به نیروهای مسلح، هر چه بیشتر ارتقای کیفیت بدهید، کار بجایی انجام داده‌اید...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۱/۳۰). ۱۱- روزآمدگی سازمان: توجه مضاعف به عملیاتی نمودن این فرمایش فرماندهی کل قوا: «... باید سطح دانش و انضباط و تقوا و نظم را تا آخرین تلاشهای خودتان بالا ببرید و آنها را روزبه روز بهتر کنید...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۲/۲۹).

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ جُنْدِكَ فَإِنَّ جُنْدَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ

فهرست منابع

۱. قرآن کریم (۱۳۷۶). ترجمه الهی محمد مهدی قمشه‌ای. قم: انتشارات لقاء.
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۳). ترجمه محمد دشتی. قم: معاصر، تهران.
۳. شرح نهج البلاغه (۱۳۶۵ ه.ش). سید علی نقی فیض الاسلام. قم: انتشارات فقیه.
۴. صحیفه سجاده (۱۳۸۱). ترجمه محسن غرویان و همکاران. قم: الهادی.
۵. مفاتیح الجنان (۱۳۸۴). عباس قمی. ترجمه کمره‌ای. مشهد: انتشارات آستان قدس.
۶. امام خمینی (ره)، روح الله (۱۳۶۹). صحیفه نور. جلد‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۲۱، ۲۲. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار.
۷. آریانپور، منوچهر و عباس (۱۳۸۱). فرهنگ انگلیسی به فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. امین، سید محمدحسین (۱۴۰۶ ه.ق). اعیان الشیعه. بیروت: انتشارات دارالتعارف.
۹. انزویبی نژاد، رضا (۱۳۷۳). فرهنگ لغت عربی. مشهد: انتشارات آستان قدس.
۱۰. ایزدی، احمد (۱۳۸۹). «مقایسه تأثیر آموزش و صبر در حل مسئله». فصلنامه روانشناسی نظامی. ش ۳. تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
۱۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری <http://www.leader.ir>.
۱۲. تمیمی، عبدالواحدین (۱۳۶۶). غورالحکم و دررالکم. قم: دفتر تبلیغات.
۱۳. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. چ پنجم. تهران: انتشارات سمت.
۱۴. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. چ هفدهم. تهران: انتشارات سمت.
۱۵. حرعاملی، محمدحسین (۱۳۹۱ ه.ق)، وسایل الشیعه. بیروت: انتشارات الحیاء العربی.
۱۶. خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۱). «امنیت پایدار در نظام سیاسی اسلام از منظر نهج البلاغه». فصلنامه علمی - پژوهشی آفاق امنیت. ش پانزدهم. تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۱۷. خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۱). «بررسی ابعاد جنگ اطلاعات در عصر اطلاعات». فصلنامه علمی - ترویجی مدیریت پژوهش‌های دفاعی. ش شصت و هفت. تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۱۸. رستمی، محمود (۱۳۸۶). *فرهنگ و واژه‌های نظامی*. تهران: انتشارات ایران سبز.
۱۹. رفیعی، علی (۱۳۹۰). *تروییت اسلامی و منش پاسداری*. قم: انتشارات زمزم هدایت.
۲۰. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۷۸). *اصول و قواعد اساسی رزم*. تهران: دانشگاه امام حسین (ع) معاونت آموزش.
۲۱. _____ (۱۳۷۸). *اطلاعات عملیات*. دانشگاه امام حسین (ع). تهران: انتشارات معاونت آموزش.
۲۲. سرمد، زهره و دیگران (۱۳۷۶). *روشهای تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات آگاه.
۲۳. عمید، حسن (۱۳۷۷). *فرهنگ فارسی*. چ یازدهم. تهران: چاپخانه سپهر.
۲۴. قائدان، اصغر (۱۳۸۸). «نقش عوامل معنوی در جنگ‌های عصر رسول خدا(ص)». *فصلنامه حصون*، ش ۲۰. تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۲۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. بیروت: انتشارات دارالاحیاء.
۲۶. محدثی، جواد (۱۳۸۱). *پیام‌های عاشورا*. تهران: اداره عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۲۷. محمدی، یدالله (۱۳۸۸). «انقلاب اسلامی و نقش تاریخ ساز امام خمینی(ره) در تولید قدرت». *فصلنامه عملیات روانی*. ش ۲۰. تهران.
۲۸. مرادیان، محسن (۱۳۸۵). *راهنمایی جمع‌آوری اطلاعات راهبردی*. تهران: انتشارات مرکز آموزش شهید صیاد شیرازی.
۲۹. _____ (۱۳۸۸). «نقش روحیه در توان رزمی». *فصلنامه علمی- پژوهشی راهبرد دفاعی*. ش ۲۷. تهران.
۳۰. مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰). *فرهنگ لغت*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۱. معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.